

# خطای استراتژیک آیت الله خامنه ای

اکبر گنجی

## منتشر شده در نشنال اینترست 8 اکتبر 2014

آیت الله علی خامنه ای قصد دارد تا از طریق دولت حسن روحانی نزاع هسته ای و مشکلات اقتصادی را حل کند، اما حاضر نیست بستر اجتماعی داخلی حل این دو مسأله مهم را فراهم آورد. یعنی رژیم سیاسی وقتی دموکراتیک و ملتزم به اصول حقوق بشر باشد، مشروعیت می یابد و قدرتمند می شود. اما خامنه ای قصد دارد تا بدون تن دادن به دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی و بهبود وضعیت حقوق بشر، گره از کار فرو بسته آن دو مسأله اساسی بگشاید.

با انتخاب حسن روحانی و وعده هایی که در دوران مبارزات انتخاباتی داده بود، امیدهایی زاده شد. همه بی صبرانه در انتظار تغییراتی بودند. اما خامنه ای ایستاد تا نشان دهد که هیچ چیز در سیاست داخلی تغییر نکرده است. تفاوت دیدگاه او با حسن روحانی در قلمرو فرهنگ در سخنانی که به طور علنی میان این دو رد و بدل شد، آشکار گشت (رجوع شود به مقاله "[ایران: رویارویی فرهنگی خامنه ای و روحانی](#)").

آیت الله خامنه ای به هیچ وجه نمی خواهد که دوران اصلاحات یا دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی تکرار شود. از آن بدتر، به شدت نگران تکرار جنبش سبز است (رجوع شود به مقاله "[جنبش سبز: پنج سال پس از سرکوبی با چشم انداز پیروزی نهایی](#)"). آیت الله خامنه ای جنبش سبز را "فتنه" نامید و تحت همین عنوان فاعلان و مدافعان آن حرکت را سرکوب و از ساختار سیاسی حذف کرد.

با آغاز سرکوب جنبش سبز، صدها فعال سیاسی، روزنامه نگار، و... به دیگر کشورها مهاجرت کرده و یا به طور غیر قانونی از کشور فرار کردند. انتخاب حسن روحانی و دعوت به بازگشت ایرانیان مقیم خارج به کشور، امیدهایی ایجاد کرد. اما آیت الله خامنه ای نمی خواهد که هیچ یک از آنها به ایران باز گردند. برای تأمین این هدف تاکنون چهار اقدام صورت داده است: الف- اعلام این که هر یک از فتنه گران به کشور بازگردند بازداشت و محاکمه و زندانی خواهند شد. ب- بازداشت دو تن از افرادی که به کشور باز گشتند. سراج الدین میردامادی در ۲۰/۲/۹۳ بازداشت و [در دادگاه بدوی به 6 سال حبس محکوم شد](#). ساجده عرب سرخی- فرزند فیض الله عرب سرخی که به دلیل مشارکت در جنبش سبز ۴ سال و دو ماه زندانی بود- نیز به طور غیابی محاکمه و به یک سال زندان محکوم شد و از ۲۵/۴/۹۳ در زندان به سر می برد. پ- صدور حکم غیابی سنگین برای برخی از فعالین جنبش سبز که در کشورهای غربی اقامت دارند. ت- حتی برخی از افرادی که با ضمانت دولت روحانی به ایران سفر کرده اند، توسط قوه قضائیه تحت بازجویی قرار گرفته و از آنان خواسته شده مصاحبه تلویزیونی کرده یا همکاری کنند و یا توبه نامه

بنویسند. به دلیل عدم پذیرش این درخواست ها، فرد با قرار وثیقه سنگین، همچنان ممنوع الخروج از کشور است. خانواده مسأله را علنی نمی کنند تا شاید از طریق مذاکره مسأله حل شود.

## تداوم فضای امنیتی دانشگاهها

از سوی دیگر، آیت الله خامنه ای نگران زنده شدن دانشگاه ها در دوران روحانی بوده و خواهان تداوم فضای امنیتی دوران احمدی نژاد در دانشگاه هاست. فرجی دانا- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری روحانی- در جهت رفع فضای امنیتی از دانشگاه ها حرکت می کرد و شماری از روسای دانشگاه های منصوب احمدی نژاد را برکنار کرده و تعدادی از دانشجویان و اساتید اخراجی را به دانشگاه ها باز گرداند. خامنه ای از طریق دفتر خود دو گروه جبهه پایداری و جمعیت ایثارگران مجلس را هماهنگ کرد و با ۱۴۵ رأی توانست وزیر علوم را عزل کند.

برای عزل او، از مدتها قبل، فقیهان و رسانه ها و گروه های تابع خامنه ای، فضای شدیدی علیه فرجی دانا به راه انداختند که او فتنه گران را بر سر کار آورده، خودش کاره ای نبوده و فتنه گران کنترل او و وزارت علوم را در دست دارند.

حداد عادل- رئیس فراکسیون محافظه کاران مجلس که دخترش عروس آیت الله خامنه ای بوده و خودش مشاور عالی خامنه ای است- در ۲۶/۵/۹۳ خطاب به بسیجیان گفته است که آیت الله خامنه ای: "مدتی است که متوجه یک خطر بزرگ برای انقلاب اسلامی شده اند. ایشان نکات زیادی را در این زمینه به مسئولان کشور گوشزد کردند". سپس می افزاید: "اکنون بسیج دانشجویی باید آماده باشد و از احتمال این که اگر دشمن بخواهد حرکتی را شروع کند، پیشگیری کند تا آن ها آرامش دانشگاه ها را به هم نریزند".

حسین شریعتمداری- یکی از سردمداران محافظه کاران افراطی که بیش از ۲۰ سال است که نماینده تام الاختیار خامنه ای در موسسه کیهان است- در تیتراژ اول روزنامه کیهان فردای عزل وزیر علوم نوشت: "مجلس شاخ فتنه را شکست".

آیت الله صادق لاریجانی- رئیس قوه قضائیه- در ۲۹/۵/۹۳ اعلام کرد که "جمع کردن جریان فتنه" از کشور "کار مهم" قوه قضائیه بوده است. او افزود: اگر روحانی قبول دارد که جنبش سبز "فتنه" بوده، "نباید اصحاب فتنه را به کار بگمارد... ممکن است کسی [روحانی] بگوید فتنه جریانی تاریخی بود و گذشته است اما آثارش وجود دارد". لاریجانی یادآور شد که رهبران جنبش سبز (موسوی و کروبی)، خاتمی و بسیاری از سبزه ها هنوز همان مواضع را تکرار می کنند، بدین ترتیب، "حداقل نباید به این افراد مجال تصدی سمت های مدیریتی داده شود".

حداد عادل هم گفت استیضاح تمام شد، "البته کماکان نسبت به ارزش ها و مسئله فتنه گران حساس خواهیم بود".

آیت الله مکارم شیرازی- از مراجع تقلید حکومتی- در ۳۰/۵/۹۳ گفت :

"باید مراقب نفوذی‌ها در دانشگاه‌ها بود، عموم نمایندگان وزیر فعلی را نپذیرفتند، ...وی کارهای ناشایستی در پرونده داشت، به وی فرصت اصلاح داده شد اما وی از این فرصت استفاده نکرد".

## حفظ سنگر وزارت ارشاد

اما مسأله به وزیر علوم ختم نمی‌شود، آنان از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم به شدت ناراحت هستند که چرا در حوزه کتاب، سینما، موسیقی، رسانه‌ها، تئاتر، و... کمی گشایش ایجاد کرده است. سیدمرتضی نبوی، که از سوی آیت الله خامنه‌ای به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شده، در ۳۰/۵/۹۳ [گفته است](#) :

"امروز در وزارت ارشاد یک رها شدگی حس می‌شود که یادآور مسائل فرهنگی در زمان دولت اصلاحات است... و بیشترین نگرانی از سوی مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با وزارت ارشاد است".

محافظه کاران تظاهراتی در برابر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر پا کردند. آنان به شدت مخالف اکران 8 فیلم ساخته شده درباره جنبش سبز هستند که با مدعیات حکومت نمی‌خوانند. کمیسیون فرهنگی مجلس نامه‌ای به علی جنّتی- وزیر فرهنگ و ارشاد- نوشته و مانع اکران این فیلم‌ها شود. این گونه مقابله‌ها در حوزه کتاب شدیدتر است.

وزارت ارتباطات نیز به محل دیگری برای حمله محافظه کاران افراطی تبدیل شده است. دولت قصد دارد بر سرعت اینترنت بیفزاید و آنان به شدت با این امر مخالفند. آیت الله علم‌الهدی- امام جمعه مشهد و عضو مجلس خبرگان رهبری- در این مورد [گفته است](#): "امروز بزرگترین آفت در کشور وزارت ارتباطات است و در حالی که مقام معظم رهبری دستور دادند که از افزایش سرعت اینترنت پرهیز شود با این حال شاهد زیر پا گذاشتن دستورالعمل ایشان هستیم".

قوه قضائیه رسماً در این خصوص دولت را تهدید کرده و به آن یک ماه فرصت داده است. رئیس قوه قضائیه هم گفته، دولت کاری نکند که قوه قضائیه مجبور به برخورد شود.

حسن روحانی در جلسه استیضاح وزیر علوم حضور نیافت و همین امر موجب حدس‌های گوناگونی شده است. اما بلافاصله پس از عزل وزیر علوم، محمد علی نجفی را به سرپرستی وزارت علوم منصوب کرد که توسط همین مجلس به عنوان وزیر آموزش و پرورش پذیرفته نشده بود. اگر چه او سیاسی‌تر از فرجی داناست و حسن روحانی از او خواسته که [راه وزیر عزل شده را ادامه دهد](#)، ولی مطابق قانون، بیش از سه ماه نمی‌توان سرپرست گمارد و روحانی مجبور است که وزیری به مجلس تابع خامنه‌ای معرفی کند.

آیا روحانی در برابر محافظه کاران افراطی خواهد ایستاد یا وعده‌های ناظر به آزادی‌های سیاسی و واگذاری امور دولتی به نهادهای صنفی و مدنی را فدای مصالحه هسته‌ای و گشایش اقتصادی از طریق لغو تحریم‌ها خواهد کرد؟ او می‌تواند توسط محمد نجفی مدیران و روسای فاسد، امنیتی و ناکارآمد دوران احمدی نژاد را در این سه ماه برکنار سازد و سپس فرد دیگری را به عنوان وزیر به مجلس معرفی کند که کار را آماده تحویل بگیرد. آیا نجفی و روحانی چنین سودایی در سر دارند؟ اما نجفی در طی این مدت

فقط پنج رئیس دانشگاه را تغییر داده، گفته است که ۱۶۰۰ نفر به طور غیر قانونی بورسیه دکتری شده اند اما برای برخورد با این مسأله اقدام جدی صورت نداده، و دفاعیات محافظه کارانه فرجی دانا که کوچکترین اشاره ای به فسادهای عظیم و ویران سازی ها نکرد، نشانی از این سیاست در خود نداشت. در عین حال روحانی در ۱/۶/۹۳ گفته است:

"دولت در مبارزه با فساد از جمله فساد در دانشگاه و فساد مدارك علمی یا فسادى که در زمینه بورسیه‌ها بوده، جدی خواهد بود و این مبارزه را ادامه خواهیم داد و با تغییر يك نفر از دولت، مسیر دولت تغییر نخواهد کرد بلکه همان مسیری که مردم و آرای مردم برای ما مشخص کرده‌اند، ادامه خواهد یافت".

## ممانعت از بازگشت اصلاح‌طلبان

خامنه ای تا جایی که بتواند پیش خواهد رفت. او نمی گذارد اصلاح طلبان به نظام باز گردند، اما دارد از طریق برادر عروس خود- صادق خرازی- برای اصلاح طلبان حذف شده حزب جدید می سازد تا مدعی شود که اصلاح طلبان هم در قلمرو سیاسی حضور دارند. اساس حزب جدید، "پوست اندازی گفتمانی" و "نقش رهبر معظم انقلاب در هدایت و حرکت جمعی جامعه است". ادعایشان این است: "ولایت فقیه کمر بند وحدت ملی ایران است. نباشد افغانستان و عراق می‌شویم". این هم بخشی از مدیریت خودکامانه اوست. او که هزینه زیادی بابت حذف اصلاح طلبان از نظام پرداخت کرده، دیگر آنان را به نظام راه نخواهد داد. محمد خاتمی نه تنها برای سلامتی خامنه ای دعا کرد، بلکه به او نامه نوشت. حتی از دفتر رهبری تقاضا کرد تا به بیمارستان جهت عیادت از خامنه ای برود. اما خامنه ای اجازه نداد و محافظه کاران گفته اند که خاتمی باید بگوید که در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ تقلبی صورت نگرفته، رهبران زندانی جنبش سبز را محکوم کند و به طور علنی از همراهی اش با جنبش سبز توبه نماید. در این صورت احتمالاً راه او- که اینک ممنوع الخروج از کشور است- به نظام گشوده خواهد شد.

خامنه ای در دیدار ۵/۶/۹۳ با روحانی و وزیرایش به صراحت به آنان گوشزد کرد: "مسئله فتنه و فتنه‌گران، از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همان‌گونه که در جلسه رأی اعتماد خود بر فاصله‌گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پایبند باشند". این فقط بستن راه اصلاح طلبان نیست، تهدید به حذف تحت عنوان فتنه گران است.

مطابق معمول، در ابتدای مهر ماه حسن روحانی برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کرد. حسن روحانی به شدت به مخالفان افراطی تاخته و از تعامل با همه جهان سخن گفته بود. اما آیت الله خامنه ای ضمن تأیید نظر روحانی تأکید کرد که اسرائیل و آمریکا از این امر مستثنا هستند. او گفت که آمریکا به دشمنی خود با جمهوری اسلامی ادامه داده و تعامل با آنها هیچ سودی برای ایران ندارد. تنها مذاکره با آمریکا، مذاکرات هسته ای است که "بنا شد مسئولان تا سطح وزارت خارجه تماس‌ها، نشست‌ها و مذاکراتی داشته باشند".

این تعیین مرز پیش گیرانه برای آن بود که حسن روحانی در نیویورک دیداری با اوباما نداشته باشد و یا مانند سال گذشته با او تلفنی گفت و گو نکند. بازداشت خبرنگار واشنگتن پست در ایران هم ضربه دیگری

به سیاست تعامل با غرب روحانی توسط خامنه ای بود. غنچه قوامی- شهروند انگلیسی ایرانی الاصل- که در ۳۰/۳/۹۳ به منظور تماشای مسابقه والیبال به ورزشگاه آزادی مراجعه کرده بود را در آنجا بازداشت کردند. اتهام او تبلیغ علیه جمهوری اسلامی است که در صورت اثبات، یک ماه تا یکسال زندان به دنبال دارد. محسن امیر اصلانی را هم درست روز قبل از سخنرانی روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل اعدام کردند. مخالفان جمهوری اسلامی مدعی اند که او را به اتهام ارتداد اعدام کرده اند، اما دادستانی مدعی است که وی را به اتهام "ارتکاب زناي به عنف و و اکراه" اعدام کرده است.

در نیویورک درباره خبرنگار واشنگتن پست، غنچه قوامی و رهبران جنبش سبز از روحانی سؤال شد. او که می داند قادر به حل نزاع هسته ای و مشکلات حاد اقتصادی بدون همکاری آیت الله خامنه ای و دیگر قوا نخواهد بود، برای این که با آنها درگیر نشود، پاسخ هایی ارائه کرد که نارضایتی شدید سبزه ها و روزنامه نگاران را فراهم آورد.

### ادامه نقص حقوق بشر

او درباره وضعیت حقوق بشر در ایران گفت: "گزارش گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل نمی تواند معیاری برای بیان واقعیت ها باشد... اگر شما به ایران سفر کنید و از مردم بپرسید، در می یابید که شرایط جامعه، دانشگاه ها، احزاب و گروه ها نسبت به گذشته کاملاً متفاوت است. مساله حقوق بشر هر کشوری باید مربوط به آن کشور و در چارچوب فرهنگ آن کشور مورد بررسی و بازبینی قرار بگیرد".

جدال با جهانشمولی حقوق بشر با توسل به "نسبی گرایی فرهنگی"، از یک حقوق دان بعید است. حقوق بشر غربی و شرقی، یا دینی و غیر دینی وجود ندارد. احترام به همه فرهنگ ها لزوماً قابل قبول نیست، برای این که فرهنگ های ناقض حقوق بشر به همه فرهنگ ها احترام نمی گذارند. ایران اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا کرده است و باید ملتزم به اجرای آن باشد. اما او در چنبره خامنه ای، دیگر قوا و مریدان رهبری گرفتار است.

آیت الله خامنه ای تصور نادرستی از سیاست خارجی دارد. او گمان می کند که جمهوری اسلامی، عربستان سعودی، قطر، بحرین، یا ایران زمان شاه است که بتواند مانند آنان در داخل نظام غیر دموکراتیک ناقض حقوق بشر داشته باشد و در خارج مسائلش را حل کند. درست است که عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده، و... نظام های ناقض حقوق بشری هستند که فاصله بسیار عمیق و بلندی با یک نظام دموکراتیک دارند، اما همه آنها متحدان استراتژیک آمریکا بوده و آمریکا در این کشورها دارای پایگاه نظامی است. این کشورها که حامیان مالی و تسلیحاتی گروه های بنیادگرای اسلامی سوریه و عراق بوده اند، اینک با آمریکا در جبهه مشترکی به جنگ این گروه های تروریستی رفته اند.

خامنه ای نمی تواند با نظامی غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر، دائماً علیه اسرائیل و آمریکا شعارهای تند دن کیشوت وار سر دهد و در عین حال موفق به حل مسأله هسته ای و تحریم ها شود. او باما حتی اگر به شدت مایل به سازش با ایران باشد، در چنین صورتی نمی تواند در برابر لابی های قدرتمند اسرائیل و عربستان سعودی و کنگره آمریکا بایستد و شدیدترین تحریم های طول تاریخ را لغو کند.

گام اول که شرط لازم حل مسائل و قدرتمند کردن تیم مذاکره کننده هسته ای است، تغییر شعارهای رادیکال توخالی خامنه ای علیه آمریکا و اسرائیل است. این شعارهای نابخردانه فضای گفت و گو را به زیان ایران می سازد.

اما نکته کلیدی این است که نظام سیاسی ایران بدون دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی و بهبود وضعیت حقوق بشر قدرتمند نخواهد شد. سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی است و برای دفاع از "منافع ملی" در سطح جهانی، باید حکومتی داشت که محصول انتخابات آزاد باشد. ایران، عربستان سعودی و قطر و بحرین و یمن و مصر و کویت و اردن و امارات متحده نبوده و نیست. عربستان سعودی و امارات متحده و ترکیه- به گفته جو بایدن معاون باراک اوباما- می توانند به عنوان متحدان آمریکا داعش و جبهه نصرت را بسازند و در عین حال متحد آمریکا باقی بمانند، چون هیچ شعاری علیه آمریکا نداده و با این دولت همراهند. فارن پالیسی نوشته که جو بایدن مجبور به دوبار عذرخواهی از دو متحد کلیدی آمریکا- یعنی ترکیه و امارات متحده- در نبرد علیه داعش شد. این عذرخواهی نه به دلیل ایراد اتهامات بی اساس، بلکه به دلیل بیان بخشی از حقیقت (یعنی نقش ترکیه و عربستان سعودی و امارات متحده در ساختن داعش) بود. رابرت فورد- سفیر سابق آمریکا در سوریه- به فارن پالیسی گفته که بارها به مقامات ترکیه- از جمله رئیس سرویس اطلاعاتی آن کشور- گفته بود که کشور خود را به راه انتقال نیروهای جهادی خارجی به سوریه تبدیل نسازد، اما آنها به بهانه های مختلف طفره رفته و به کار خود ادامه داده اند. سرمقاله نیویورک تایمز هم به نقش ترکیه در این خصوص اختصاص یافته است. به نوشته نیویورک تایمز:

"اردوغان به اندازه ای مشتاق برکناری بشار اسد در سوریه بود که اجازه عبور تسلیحات، نیروهای مبارز و وجوه مالی از طریق مرز خود را داد و بدین ترتیب زمینه ساز تقویت داعش و دیگر گروه های تروریستی شد. اگر اردوغان همچنان از دفاع از کوبانی و پیوستن جدی به جنگ علیه داعش امتناع ورزد، شرایط را برای تقویت یک گروه وحشی فراهم آورده است و بی ثباتی طولانی مدت در مرزهای خود را تثبیت کرده است".

آری اردوغان می تواند بگوید "از اینترنت و شبکه های اجتماعی متنفر بوده و این تنفر هر روز زیاده تر می شود"، و می تواند در روزهای 8 و 9 و 10 اکتبر ۳۱ تن از کردهای معترض را کشته، ۳۶۰ تن از آنان را زخمی کرده و بیش از یک هزار تن را هم بازداشت کند، آمریکا هم همچنان از او عذرخواهی کند. شاید برای همین است که دیلی تلگراف نوشته که بایدن نگفت که متحدان آمریکا با اطلاع واشنگتن گروه های تروریستی چون داعش را تقویت کرده اند (نقش آمریکا و متحدانش در خلیج فارس و پاکستان در ساختن القاعده و طالبان را در این و این مقاله در هافینگتون پست با شواهد و قرائن کافی دولتمردان آمریکایی نشان داده ام).

اما خامنه ای با شعارهای توخالی علیه آمریکا و اسرائیل، کاری کرده که نقض حقوق بشرش به شدت تمام تحت نظارت دائمی و تبلیغات جهانی است. اگر او به جای نتانیاهو که حدود ۲۲۰۰ تن از مردم غزه را کشت و بیش از ۱۱ هزار تن از آنان را زخمی کرد، چنان اقدامی کرده بود، به احتمال فراوان ایران مورد حمله نظامی تحت عنوان "دخالته بشر دوستانه" قرار می گرفت.

بیش از ۱۳۰۰ روز از زندانی کردن بدون محاکمه و حتی یک کلمه دفاع از خود رهبران جنبش سبز در منازلشان می گذرد. آیت الله خامنه ای به شدت مخالف آزاد شدن آنان است، اما این زندان دستاوردی برای او نداشته و بر مظلومیت و محبوبیت آنان که همچنان بر آرمان های خود ایستاده اند، افزوده است. آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی نگاه جهانی به ایران را تغییر خواهد داد. آزادی و دموکراسی و حقوق بشر مسیر قدرتمند کردن ایران است. مستقل از نقش ایزاری حقوق بشر و دموکراسی برای قدرتمند کردن ایران، این ایده ها دارای ارزش فی نفسه بوده و عادلانه ترین برساخته های بشری تاکنون هستند.

**منبع: رادیو زمانه، ۱۴ مهر ۱۳۹۳**